



و مادر ارجمندش بانوی مصری تباری به نام «سیبکه» است که از خاندان «ماریه قبطیه»، همسر پیامبر اسلام ﷺ، به شمار می‌رود؛ بانویی که از نظر فضائل اخلاقی، در درجهٔ والایی از

توکل گلوازه‌های شعر صدها چون کمیتی من‌گدای خانه‌زادم، توجواد اهل بیتی تو ولیعهد عزیز پادشاه ارض طوسی تو یکی یکدانه ماه‌خانهٔ شمس الشموسی امام جوادؑ در یک نگاه^۱

حضرت امام محمد تقی، امام نهم شیعیان، کنیه‌اش «ابوجعفر» و لقب دیگر او «جواد» می‌باشد. در نیمه‌ماه رجب ۱۹۵ ه‍.ق، در حالی که سخت پدرش چشم انتظار فرزندِی چون او بود، در مدینهٔ منوره دیده به جهان گشود، و شهر مدینه و عالم را با نور خویش روشن نمود.

پدر بزرگوارش حضرت رضاؑ

۱. تاکنون در بارهٔ امام جوادؑ در مجله مبلغان، مقالات ذیل به چاپ رسیده است: نگاهی به سیرهٔ تبلیغی امام جوادؑ، محمد حاج اسماعیلی، شماره ۲، ذی‌قعدة ۱۴۲۰ ه‍.ق. مناظره‌ای از امام جوادؑ، سید جواد حسینی، شماره ۳۳، رجب ۱۴۲۳ ه‍.ق. امام جوادؑ غریب بغداد، محمد عابدی، شماره ۴۹، ذی‌قعدة ۱۴۲۴ ه‍.ق. ماجرای شهادت امام محمد تقیؑ، سیدمعینی اهری، شماره ۳۷، ذی‌قعدة ۱۴۲۳ ه‍.ق. امام جوادؑ، پاسدار حریم وحی، عبدالکریم پاک‌نیا، شماره ۴۵، رجب ۱۴۲۴ ه‍.ق.

ساطع بود که تمام حجره را روشن نمود؛ به گونه‌ای که از نور چراغ بی‌نیاز شدیم. آن نوزاد نورانی را در دامن خود گذاشتم و پرده را از خورشید جمالش کنار زدم.^۳ حکیمه اضافه می‌کند: در لحظه‌ای که امام جواد به دنیا آمد، فرمود: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»؛ گواهی می‌دهم که خدایی غیر از خدای یگانه نیست، و به راستی محمد ﷺ رسول خدا است.»

و در روز سوم ولادتش وقتی عطسه کرد، فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ»؛ ستایش مخصوص خداست و درود خدا بر محمد و امامان هدایتگر باد.» حکیمه وقتی این جملات را از

انسانیت قرار داشت و برترین زنان زمان خود بود؛ به طوری که امام رضا ﷺ از او به عنوان بانویی منزّه و پاکدامن و با فضیلت یاد می‌کرد. «ریحانه» و «خیزران» از دیگر نامهای مادر امام جواد ﷺ است.

حضرت در مجموع دوران امامت خود با دو خلیفه عباسی، یعنی مأمون (۱۹۳-۲۱۸) و معتصم (۲۱۸-۲۲۷) معاصر بوده است.^۱

مراسم ولادت

حضرت رضا ﷺ پیشاپیش خبر ولادت فرزندش امام جواد ﷺ را به اطرافیان داده بود، از جمله: شبی خواهرش حکیمه خاتون را احضار نمود و فرمود: «ای حکیمه! امشب فرزند با برکت خیزران متولد می‌شود که تو باید در نزد او حاضر باشی.» آن‌گاه فرمود: «فَإِذَا هِيَ وُلِدَتْ فَالْزِمِيهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ»؛^۲ هرگاه او (خیزران) زایمان نمود، هفت روز همراه او باش.»

حکیمه خاتون می‌گوید: پاسی از شب گذشت تا اینکه نوزاد رضا ﷺ در حالی که پرده‌نازک نورانی بر او پوشیده بود، به دنیا آمد و نوری از او

۱. ر.ک: اعلام الوری، طبرسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ص ۳۴۴؛ منتهی الامال، شیخ عباس قمی، کتابفروشی اسلامیه، ج ۱، ص ۲۱۷؛ الارشاد، شیخ مفید، قم، مکتبه بصیرتی، ص ۳۱۶.

۲. منتهی الامال، ج ۱، ص ۲۱۸؛ و نیز ر.ک: اعلام الهدایه، المجمع الهاشمی لاهل البيت، چاپ اول، ج ۱، ص ۲۸.

۳. منتهی الامال، ص ۲۱۸.

۴. اعلام الهدایه، ص ۲۸.

۵. همان.

به بهانه نیمه رجب سالروز ولادت آن حضرت، در این مقال برآنیم که راز «مولود با برکت» بودن حضرت را بیان داریم.

مولود با برکت

در خانواده امام هشتم، و محافل شیعیان، از حضرت جواد علیه السلام به عنوان مولودی با برکت یاد می‌شد و این شهرت نیز ریشه در کلام خود امام هشتم علیه السلام دارد که بارها این مسئله را یادآوری نموده‌اند که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. «ابویحیای صنعانی» می‌گوید: روزی در محضر امام رضا علیه السلام بودم، فرزندش ابوجعفر را که خردسال بود آوردند: حضرت فرمود: «هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ مَوْلُودًا عَظِيمَ بَرَكَةٍ عَلَيَّ شِبَعَتِنَا مِنْهُ^۱؛ این مولودی است که با برکت‌تر

امام جواد علیه السلام شنید با شتاب نزد امام رضا علیه السلام رفت و عرض کرد از این طفل عجایی دیدم. حضرت فرمود: آن عجایب چیست؟ حکیمه جملات لحظه ولادت و هنگام عطسه حضرت را بیان نمود. حضرت رضا فرمود: «يَا حَكِيمَةُ، مَا تَرَوْنَ مِنْ عَجَائِبِهِ أَكْثَرُ؟^۱ ای حکیمه! [در آینده] عجایب بیشتری از او خواهید دید.»

امام جواد علیه السلام از دیدگاه دیگران

۱. محمد بن طلحه شافعی (م - ۶۵۲ هـ) می‌گوید: «وَإِنْ كَانَ صَغِيرَ السِّنِّ فَهُوَ كَبِيرُ الْقَدْرِ زَفِيْعُ الدُّكْرِ^۲؛ هرچند او (امام جواد) سن کمی داشت، ولی بزرگ‌مقدار و بلند آوازه بود.»

۲. ابن حجر میثمی می‌گوید: «مأمون او رابه دامادی انتخاب کرد، زیرا با وجود کمی سن از نظر علم و آگاهی و حلم بر همه دانشمندان برتری داشت.»^۳

۳. ابن جوزی حنفی (م - ۶۵۴ هـ) می‌گوید: «امام محمد ابوجعفر ثانی در علم و تقوی و زهد و بخشش بر روش پدران خویش بود... و از لقبهای او مرتضی و قانع است.»^۴

۱. همان، ج ۱۱، ص ۲۸ و ر.ک: مستدرک العوالم، ج ۲۳، ص ۱۵۱-۱۵۲.

۲. مطالب السؤل، ص ۲۳۹؛ فصول المهمة، ص ۲۵۲.

۳. الصواعق المحرقة، ص ۲۰۵.

۴. تذكرة الخواص، ص ۳۵۸-۳۵۹.

۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲۱؛ الارشاد، شیخ مفید، ص ۳۱۹؛ اعلام الوری، طبرسی، ص ۳۴۷؛ کشف الغمّه، اربلی، ج ۳، ص ۱۴۳.

گروهی که بعدها به «واقفیه» معروف شدند، بر اساس انگیزه‌های مادی، امامت حضرت رضا علیه السلام را انکار کردند و از سوی دیگر، حضرت رضا علیه السلام تا چهل و هفت سالگی دارای فرزند نشده و از سوی سوم، در احادیث فراوانی که از طریق اهل سنت و شیعیان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که امامان دوازده نفرند و نه نفر آنان از نسل امام حسین علیه السلام خواهند بود^۱، فقدان فرزند برای حضرت رضا علیه السلام هم امامت خود آن حضرت را و هم تداوم امامت را زیر سؤال می‌برد. و واقفیه این موضوع را دستاویز قرار داده، امامت امام رضا علیه السلام را انکار می‌کردند.

گواه و شاهد این تحلیل، اعتراض «حسین بن قیاما واسطی» به امام در این مورد و پاسخ آن حضرت است. «ابن

از او برای شیعیان ما زاده نشده است». ۲. «ابن اسباط» و «عباد بن اسماعیل» می‌گویند: خدمت امام رضا علیه السلام بودیم که ابو جعفر امام جواد علیه السلام را آوردند، عرض کردیم: این همان مولود پر خیر و برکت است؟ حضرت فرمود: «بله! این همان مولودی است که در اسلام با برکت تر از او زاده نشده است»^۱.

۳. در مکه مکرمه نیز به عده‌ای فرمود: «این مولودی است که در اسلام، مانند او با برکت برای شیعیان ما زاده نشده است»^۲.

بر اساس آنچه که شواهد و قرائن نشان می‌دهد، مقصود از با برکت بودن حضرت این است که تولد او در شرائط خاصی صورت گرفت که در آن زمان خیر و برکت خاص و ویژه‌ای برای شیعیان به ارمغان آورد؛ زیرا عصر امام رضا علیه السلام عصر ویژه‌ای بود و حضرت در تعیین جانشین خود و معرفی امام بعد، با مشکلاتی روبه‌رو بوده که در دوران امامان قبلی چنین مشکلاتی وجود نداشته است؛ به این دلیل که از یک سو، پس از شهادت امام کاظم علیه السلام

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۰.

۲. فسرور کافی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۶، ص ۳۶۱؛ الامام الجواد من المهدی الى اللحد، سید کاظم قزوینی، مؤسسه البلاغ، ص ۳۳۷.

۳. ر.ک: صحیح مسلم، ج ۶، ص ۳؛ منابع الموده، سلیمان بلخی، ص ۴۴۶ و ر.ک: الملل و النحل، جعفر سبحانی، ج ۶، ص ۵۸-۶۱.

قیاما» که از سران واقفیه بوده است، طی نامه‌ای امام رضا علیه السلام را متهم به عقیمی کرد و نوشت: چگونه ممکن است امام باشی، در صورتی که فرزندی نداری! حضرت در پاسخ نوشت: «از کجا می‌دانی که من دارای فرزندی نخواهم بود؟» در ادامه فرمود: «وَاللّٰهُ لَا تَمْضِي الْاَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَبْرُزَ قِنَى اللَّهِ وَلَدًا ذَكَرًا يَفْتَرُقُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ!»^۱ به خدا سوگند! بیش از چند روز و شب نمی‌گذرد که خداوند فرزند پسری روزی من می‌گرداند که به وسیله او بین حق و باطل جدایی می‌افتد.»

این سم‌پاشی تبلیغی از طرف واقفیه، منحصر به یک مورد نبوده است، بلکه به مناسبت‌های مختلف و موارد متعدد و گوناگون تکرار می‌شده است و امام هشتم علیه السلام نیز به آنان جواب می‌داده، از جمله فرموده است: «وَاللّٰهُ لَا تَمْضِي الْاَيَّامُ وَاللَّيَالِي، حَتَّى يَمُوتَ ذَكَرٌ مِنْ صُلْبِي يَقُومُ مِثْلَ مَقَامِي يُخَيِّبُ الْحَقَّ وَيُنْجِي الْبَاطِلَ!»^۲ به خدا سوگند! شب و روزهایی نخواهند گذشت مگر آنکه فرزندی از نسل من به دنیا می‌آید و جای من قرار گرفته، حق را زنده و

باطل را نابود می‌کند.» به این جهت، امام هشتم علیه السلام و شیعیان سخت در فشار دشمنان قرار داشتند تا آن روزی که حضرت جواد علیه السلام پا به دنیا گذاشت و با نور وجودش به تمام سم‌پاشیها و تبلیغها خاتمه داد، و پیش‌بینیهای پدر بزرگوارش نیز به وقوع پیوست، و موضع امام هشتم علیه السلام و شیعیان که از این نظر در تنگنا بودند، تقویت گردید و وجهه تشیع بالا رفت.^۳

از اینرو، حضرت رضا علیه السلام از همان ابتدا از جوّ به وجود آمده به نفع خود بهره‌برداری نمود، و پایه‌های امامت فرزندش، جواد الائمه علیه السلام رامحکم نمود و بارها به شیعیان اعلام نمود که: «هُذَا أَبُو جَعْفَرٍ قَدْ أَجْلَسْتَهُ مَجْلِسِي وَصَيَّرْتَهُ مَكَانِي»^۴ این ابو جعفر [امام

۱. اصول کافی، مکتبه الصدوق، ج ۱، ص ۳۲۰؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۷؛ کشف الغمه، ص ۱۴۲.

۲. رجال کشی، ص ۴۶۳؛ کشف الغمه، ص ۱۴۲ و ر.ک: سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۵۳۱-۵۳۲.

۳. ر.ک: الامام الجواد من المهد الى اللحد، سيدكاظم قزوینی، چاپ اول، ص ۳۳۷؛ سیره پیشوایان، ص ۵۳۲.

۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲۱؛ اعلام الهدایة،

نگوید برای چه دعوتشان کرده‌اید. یک روز بر اساس قرار قبلی، عموها، برادران و خواهران حضرت رضا علیه السلام در باغی نشسته و آن حضرت در حالی که جامه‌ای گشاده و پشمین بر تن و کلاه‌هی بر سر و بیلی بر دوش داشت، در میان باغ به بیل زدن مشغول شد؛ گویی که باغبان است و ارتباطی با حاضران ندارد.

آن‌گاه حضرت جواد علیه السلام را حاضر کردند و از قیافه‌شناسان درخواست نمودند که پدر وی را از میان آن جمع شناسایی کنند، آنان به اتفاق گفتند: پدر این کودک در این جمع حضور ندارد؛ اما این شخص، عموی پدرش و این عموی خود او و این هم عمه اوست. اگر پدرش نیز در اینجا باشد، باید آن شخصی که در میان باغ بیل بر دوش گذاشته است، باشد؛ زیر ساق پاهای این دو به یک گونه است!

در این وقت امام رضا علیه السلام به جمع آنان پیوست، قیافه‌شناسان به اتفاق گفتند: پدر او، این است. در این هنگام، علی بن جعفر از جا برخاست و بر

جواد [است که او را جای خود نشاندم و جانشین خود قرار دادم].»

سم‌پاشیها

و سوسه‌ها و سم‌پاشیهای مخالفان خاندان امامت و واقفیه درباره حضرت رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام به حدی بود که حتی پس از ولادت حضرت جواد علیه السلام که همه مخصوصاً واقفیه خلع سلاح شده بودند گروهی از خویشان آن حضرت را وادار نمودند که ادعا کنند حضرت جواد علیه السلام فرزند علی بن موسی علیه السلام نیست!

آنان در این تهمت ناجوانمردانه و دور از اسلام، شبهه عوام فریبانه عدم شباهت میان پدر و فرزند را از نظر رنگ مطرح نمودند، و گندمگونی صورت حضرت جواد علیه السلام را بهانه قرار داده، گفتند: در میان ما، امام گندمگون وجود نداشته است. حضرت رضا علیه السلام فرمود: «هُوَ ابْنِي؛ او فرزند من است.» آنان [بر خلاف واقع] گفتند: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با قیافه‌شناسی داوری کرده است، باید بین ما و تو قیافه‌شناسان داوری کنند! حضرت (ناگزیر) فرمود: شما در پی آنان بفرستید، ولی من این کار را نمی‌کنم، اما به آنان

سؤالات عقلی دشواری مطرح می‌شد تا به پندار خامشان، حضرت را در میدان رقابت علمی شکست دهند.^۳

ولی در همه این مناظرات علمی، حضرت با علم امامت که ناشی از علم خداوندی است، با پاسخهای قاطع و روشنگر، هرگونه شک و تردید را در مورد امامت خود از بین برد و امامت خویش و اصل امامت را تثبیت کرد. به همین جهت است که بعد از او در دوران امامت حضرت هادی علیه السلام که در کودکی به امامت رسید مشکلی ایجاد نشد؛ زیرا دیگر برای همه روشن شده بود که خردسالی مانع منصب امامت نمی‌شود.

مناظره او با یحیی بن اکثم و اثبات حقانیت حضرت، و ناتوانی یحیی، و مناظره او با ابن ابی داود، و قاضی القضاة و غلبه حضرت بر آنها از این نمونه مناظرات است.^۴

لبهای حضرت جواد علیه السلام بوسه زد و آب دهان حضرت را مکید و عرض کرد: «أشهد أنك إمامي؛ گواهی می‌دهم که تو امام من [بعد از پدرت] هستی.» بدین ترتیب، با وجود با برکت حضرت جواد علیه السلام این توطئه مخالفان امامت نیز منجر به شکست شد.

مناظرات با برکت

از آنجا که امام جواد علیه السلام نخستین امامی بود که در خردسالی به منصب امامت رسید^۲، حضرت مناظرات و گفتگوهای داشته است که برخی از آنها بسیار مهم و مفید بوده است. راز وجودی این مناظرات این بود که از یک طرف امامت او به خاطر کمی سن برای بسیاری از شیعیان کاملاً ثابت نشده بود (هرچند بزرگان و آگاهان شیعه در امامت او هیچ تردیدی نداشتند)؛ از اینرو، برای اطمینان خاطر و به عنوان آزمایش سؤالات فراوانی از آن حضرت می‌کردند.

و از طرف دیگر، در آن دوران، قدرت «معتزله» افزایش یافت و مکتب اعتزال (افراطی‌گری در بهره‌وری از عقل) رونق یافته بود و حکومت وقت نیز از آنان پشتیبانی می‌کرد. از طرف این گروه

۱. اصول کافی، کلینی، مکتبة الصدوق، ج ۱، ص ۳۲۲؛ سیره پیشوایان، ص ۵۳۳-۵۳۴.
 ۲. بسعد از امام جواد علیه السلام فرزندش امام هادی علیه السلام و بعد از او امام زمان علیه السلام نیز در کودکی به این منصب نائل شده‌اند.
 ۳. ر.ک: سیره پیشوایان، ص ۵۳۴-۵۳۵.
 ۴. ر.ک: الاحتجاج، طبرسی، مطبعة المرتضویه.

تَوْفِيقٍ مِّنَ اللَّهِ وَوَاعِظٍ مِّنْ نَّفْسِهِ وَقَبُولٍ مِّنْ
يُنْصَحُهُ^۲؛ مؤمن به سه چیز نیازمند است:
توفیقی از خداوند، واعظی از درون، و
پذیرش نصیحت از دیگران.»

۳. سه راه جذب دیگران: حضرت
جواد علیه السلام فرمود: «ثَلَاثٌ خِصَالٌ تَجْتَلِبُ بِهِنَّ
الْمَحَبَّةَ: الْأَنْصَافُ فِي الْمُعَاشِرَةِ وَالْمُوَاسَاةُ فِي
الشَّدَةِ وَالْإِنْطَوَاعَ وَالرَّجُوعَ عَلَى قَلْبِ سَلِيمٍ^۳؛
با سه چیز می توانی جلب محبت دیگران
کنی: انصاف داشتن در برخوردها،
همدردی با دیگران در سختیها و راحتیها،
و داشتن قلب سلیم.»

۴. نشانه کمال ایمان: حضرت فرمود:
«أَزْيَعُ مَنْ كُنَّ فِيهِ اِسْتِكْمَالُ الْإِيمَانِ؛ مَنْ أُعْطِيَ
لَهُ وَمَنَعَ فِي اللَّهِ وَأَحَبَّ اللَّهُ وَأَبْغَضَ فِيهِ^۴؛ چهار
چیز در هر کس باشد، ایمانش کامل
شده است: کسی که برای خدا عطا (و
انفاق) کند و در راه خدا منع کند، و
برای خدا دوست بدارد و در راه خدا
بغض بورزد.»

نتیجه‌ای که از سخنان پیش می توان
گرفت، این است که دشمنان اهل بیت علیهم السلام
در طول تاریخ یکی از حربه‌های مهمی که
از آن استفاده برده‌اند، حربه تهمت و افترا
است؛ منتها این حربه برای همیشه کارساز
نیست و سرانجام روزی فرامی رسد که
تمام تهمت‌ها و افتراها رو می شود و حق
آشکار و باطل رسوا می گردد.
در این زمان نیز یکی از حربه‌های
دشمن همین است. ما باید با پای فشردن بر
حق، از این دسیسه نترسیم و معتقد باشیم
که با ماندن ما بر صراط حق، افتراهای
دشمن نیز رنگ خود را خواهد باخت.

سخنان با برکت

حسن ختام مقال را با برخی سخنان
زیبا و با برکت آن حضرت زینت می دهیم.
۱. سه عمل نیک: حضرت فرمود:
«ثَلَاثٌ مِّنْ عَمَلِ الْإِبْرَارِ: إِقَامَةُ الْقَرَائِصِ
وَاجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَاخْتِرَاطُ مِّنَ الْعَقْلَةِ فِي
الدِّينِ^۱؛ سه [چیز] از اعمال نیک انسان
شمرده می شود: برپایی (انجام) واجبات،
دوری از محرمات، دوری و پرهیز از
غفلت در دین.»

۲. سه نیازمندی مؤمن: امام جواد علیه السلام
فرمود: «الْمُؤْمِنُ يَخْتِاجُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ

ص ۱۳۵-۲۴۵.

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۸۱.

۲. همان، ج ۷۵، ص ۳۵۸.

۳. همان، ج ۷۵، ص ۸۲؛ كشف الغممه، ج ۲،
ص ۳۴۹.

۴. همان، ج ۷۵، ص ۸۱.